

مصطفی رحماندوست در گفت وگو با «فرهیختگان»:

کتاب‌های ترجمه را برای بچه‌ها تهدید می‌دانم تا فرصت!



موریم فضائلی خبرنگار گروه فرهنگ

مصطفی رحماندوست نامی شناخته‌شده در ادبیات کودک و نوجوان است و همیشه این حوزه برایش دغدغه جدی بوده است. به بهانه روز ادبیات کودک و نوجوان به سراغ او رفتیم تا بر ایمان از این حوزه و کم و کاستی‌هایی که وجود دارد روایت کند.

■ ■ ■

برای س‌وال اول در باره کیفیت کتاب‌هایی که اکنون منتشر می‌شوند صحبت کنیم. چه عاملی باعث می‌شود که ل‌ری کیفیت داشته باشد یا نداشته باشد؟

کَـنیم. به انتخاب مخاطب فکر می‌کنم. یعنی اگر مخاطب کتاب را انتخاب کند و آن کتاب فقط و فقط تلف‌تلف کردن نباشد، می‌گویم خوب است. البته یک‌سری کتاب‌ها هستند که فقط جنبه سرگرمی دارند. با آن‌ها مخالف نیستم؛ کتاب‌هایی که جنبه سرگرمی داشته باشد و علاقه‌مندی به مطالعه ایجاد کند، آن هم خوب است.

اگر مثلاً یکی جوانی بیاید پیش شما و از شما بخواهد که به او کتابی معرفی کنید، چه‌طور راهنمایی‌اش می‌کنید؟

چون هر خانواده‌ای، هر فردی، بنا به فرهنگ خودش سلیقه‌هایی دارد. اما اصرار دارم کتاب‌هایی را معرفی کنم که جنبه سرگرمی و جاذبه‌باش بر محتوایش بچربد. برخلاف بعضی از دوستان من که دنبال محتواهای خوب هستند، من کتاب‌هایی که در ایران هست، نوعاً محتوایشان بد نیست، اما سرگرم‌کننده و یا جاذبه‌نیستند. بعضی‌شان هستند. مطالعه در کشور ما خیلی پایین است. ما باید به دنبال ایجاد جاذبه باشیم. ایجاد جاذبه برای مطالعه. در انتخاب کتاب، بیش از هر چیز به جاذبه فکر می‌کنم.

به نظران این جاذبه را چه‌طور می‌توانیم در کتاب پیدا کنیم؟ یعنی آن جاذبه دقیقاً چیست؟

معیاری برایش ندارم، ولی در نوه‌های خودم که من می‌بینم، هر کتابی را که می‌بینم یکی به دیگری توصیه می‌کند، نه با بزرگ‌ترها به بچه‌ها؛ خود بچه‌ها به هم توصیه می‌کنند برخی کتاب‌ها را. وقتی این اتفاق می‌افتد، مطمئن می‌شوم که چیزی به هم سفارش می‌کنند یا باید خوانده شود.

مثلاً می‌شود بفرمایید چه سبکی می‌خوانند؟ چه چیزهایی را دوست دارند؟

متفاوت است، خیلی متفاوت است. از کسی که مخاطب علمی می‌خواند و دنبال مطالب علمی است دارم، تا کسی که فقط داستان یا فقط شعر می‌خواهد.

خودم امسال وقتی که می‌رفتم توی قسمت کودک و نوجوان، وقتی مثلاً با ناشران صحبت می‌کردم و ازشان می‌پریدم که یک بچه وقتی می‌آید اینجا، حالا چه کودک باشد و چه نوجوان - چون بالاخره فرق می‌کند - می‌پریدم که بچه‌ها جذب چه چیزی می‌شود، می‌گفتند آن کودک جذب تصاویر روی کتاب می‌شود. حالا خیلی کاری به محتوا ندار و اینجااست که آن پدر و مادر وارد می‌شوند. ولی مثلاً نوجوان نه، بیشتر مثلاً می‌گفتند که نوجوانان با آگاهی

ادامه از صفحه یک

سیاست خارجی متوازن، نه افراط و نه تفریط

در عرصه سیاست خارجی، کشور نیازمند عبور از دوگانه‌های افراط و تفریط است. نه می‌توان استقلال و امنیت ملی را فدای تعاملات بین‌المللی کرد و نه روست که تعاملات بین‌المللی را که یکی از ارکان بقا، توسعه و اعتبار ملی است، انکار یا به حاشیه راند. سیاست خارجی ایران باید فارغ از توهمات و پر پایه عزت، حکمت و مصلحت، اما با واقع‌گرایی، آینده‌نگری و رویکردی چندجانبه‌گرا و متعادل با تعریف باشد.

اهمیت وفاق در سیاست‌های کلان اقتصادی

وفاق بر سر سیاست‌های اقتصادی کلان یکی از فوری‌ترین ضرورت‌هاست. چالش‌هایی نظیر کاهش قدرت خرید، نابرابری، بیکاری، تورم مزمن و فرسایش زیرساخت‌ها، تنها در پرتو اجماع و عقلانیت ملی قابل حل است. اصلاحات اقتصادی اگر با مشارکت‌نخبگان، شفافیت و برنامه‌ریزی علمی همراه نشود، یا به بن‌بست می‌رسد یا با مقاومت اجتماعی روبرو و خوار شد. اقتصاد باید محل وحدت، نه میدان منازعه و رقابت سیاسی باشد.

بازسازی مرجعیت رسانه‌ای و مدیریت افکار عمومی

در سال‌های اخیر، فروپاشی مرجعیت رسانه‌ای داخلی و سلطه رسانه‌های خارجی بر

از اینکه مثلاً چه کتابی می‌خوانند، می‌آیند، شما در نمایشگاه کتاب خودتان با این مسئله مواجه‌های داشتید؟

خب، این از آن س‌وال‌هایی بود که انتظار داشتم برسیده‌شود. حرف‌تان کاملاً درست است. حرف آن ناشر هم درست بوده. کودکان جاذبه ظاهری می‌خوانند. بی‌تردید جاذبه‌ی ظاهری برایشان جلب‌کننده است. اگر کتابی را برایشان شروع به قصه‌گویی توی همان غرفه، مسلماً آن را می‌خوانند. جاذبه پیشینی برایشان ایجاد شده. اما نوجوانان خودشان را بزرگ فرض می‌کنند. خودشان را صاحب‌اختیار، صاحب عقل می‌دانند. این ویژگی نوجوانی است که خودش را بزرگ‌تر از هم‌سن‌وسال‌های خودش می‌بیند. از توصیه‌های هم‌سن‌وسال‌های خودش بیشتر بهره می‌گیرد تا اینکه بیاید مثلاً شیفته کتاب یک فرد نویسنده بشود. بیشتر می‌خواهد توی جمع بچه‌های خودش عقب نماند. این خیلی خوب است.

در نمایشگاه کتاب احساس می‌شد که نوجوان‌ها بیشتر به سمت کمیک رفتند. یعنی این سبک برایشان خیلی جذاب بود، یا مثلاً چیزهای علمی -تخیلی. به نظر می‌رسد ا‌ثرهایی از این دست را بچه‌های این نسل شاید بیشتر دوست داشته باشند؟

اگر واقعاً کتاب علمی-تخیلی باشد و بر مبنای یک فرمول علمی، یک جهان تخیلی بسازد، نویسنده بر اساس آن فرمول، جهان داستان را تعریف کند، خیلی خوب است، عالی است و خیلی هم از نظر بالا بردن علاقه‌مندی به مطالعه کمک می‌کند. اما ک‌تاب کمیک خیلی فرق دارد. تا امروز در محافل هنری و تربیتی جهانی و محافل هنری جهانی، کمیک به عنوان کتاب جدی کودک و نوجوان به رسمیت شناخته نشده. کتاب سرگرمی است؛ کسانی که -کوچک و بزرگ هم ندارد- حوصله ندارند، آن را به دست می‌گیرند. بد نیست، اگر خوب باشد، بد نیست. ولی من توصیه می‌کنم که به جای اینکه کتاب کمیک دست بچه‌هایمان بدهیم، کتابی بدهیم که خودش با آن تحلیل بسازند. در کمیک، تصاویر پشت سر هم اجازه نمی‌دهد بچه‌ها تحلیل فراگیری نسبت به فضای داستان و جهان داستانی داشته باشند.

به نظران حالا اگر کمیک را در نظر بگیریم، اینکه یک بچه کتاب نخواند بدتر است یا این که برود مثلاً کتابی مثل کمیک بخواند که ممکن است تخلیش را تحت‌تأثیر قرار بدهد؟

کمیک بخواند خیلی بهتر است تا کتاب نخواند.

باز هم یکی دیگر از موضوعاتی که من در این نمایشگاه کتاب‌های این چند سال توجه می‌کنم، حجم کتاب‌هایی است که ترجمه می‌شوند و این میزان کتاب ترجمه‌شده به نسبت قابل توجه است. این مسئله باعث می‌شود که یک تهدید باشد یا یک فرصت برای حوزه نشر؟

کتاب ترجمه‌شده، خوانا خواهد باشد بیشتر از کتاب داخلی است. اگر بچه‌ها به دنبال کتاب‌ترجمه‌بردند جای ملامت و سرزنش ندارند. چون گفتم مترجم‌هم رودبترترین‌های جهان را پر فروش‌ترین‌های جهان را انتخاب می‌کند. ترجمه می‌کند. مشکل از جای دیگر است. مشکل از آنجاست که کتاب ترجمه در مملکت ما سر و سامان ندارد.

ضرورت گفت‌وگوی فراگیر و باز شناخت منافع ملی

افکار عمومی، یکی از مهم‌ترین تهدیدهای نرم علیه انسجام ملی بوده است. بازگرداندن اعتماد مردم به رسانه‌های داخلی، نیازمند تنوع‌بخشی به صداها ملی، پرهیز از تک‌صدایی و ارتقای استانداردهای حرفه‌ای رسانه‌ای است. مدیریت افکار عمومی بدون ابزارهای مشروع رسانه‌ای ممکن نیست.

پایان دادن به منزوی سازی نخبگان و استفاده از همه ظرفیت‌های ملی

شماری از نخبگان و متخصصان فکری، فرهنگی، دانشگاهی و اجرایی طی سال‌های اخیر به دلایل گوناگون از فرایند تصمیم‌سازی کنار نهاده شده‌اند. ادامه این روند، منجر به فرسایش اندیشه‌س و کاهش بهره‌وری رسانه‌ای است. باید با بازگشت این نیروهای ارزشمند به عرصه عمومی، زمینه ارتقای کیفیت حکمرانی و اصلاح تصمیم‌گیری‌ها فراهم‌شود.

نهادینه‌سازی عقلانیت علمی، شفاف‌سازی خط‌سیر آینده‌کشور و توسعه مدل‌های مشارکت

از دیگر الزامات بنیادین حکمرانی در ایران، نهادینه‌کردن محاسبات علمی و آینده‌نگر در سطوح تصمیم‌گیری است. کشور باید از اداره سلیقه‌ای و واکنشی عبور کند و به سمت

کی‌رایت نداریم. ما، مترجمان مان، فقط تعداد معدودی‌شان به زبان فارسی مسلط‌اند و ترجمه‌هایشان خوب است. این‌ها باید از جاهای دیگر کنترل شود، که نمی‌شود. اما من کتاب ترجمه را -با در نظر گرفتن این‌که اولاً جذابیتش بیشتر است، ثانیاً هزینه چاپش بسیار کمتر است- کتابی می‌دانم که تهدید است و نه فرصت.

درباره این که می‌گویید «جاذبه‌اش بیشتر است» صحبت کنیم. یعنی اتفاقاً اگر یک کتابی را نویسنده‌ای از خود ایران بنویسد، شاید من خواننده خیلی بیشتری با آن همدات‌نداری داشته باشم تا کتابی که حالا مثلاً برای یک کشور دیگر است؛ حالا هرچقدر هم مثلاً قوی باشد. یعنی مثلاً من مودم وقتی کتاب کلاسیک می‌خوانم، توضیحاتی که دارد می‌کند را صرفاً می‌خوانم که رد شوم و مثلاً فقط روند کلی داستان را بفهمم. ولی اگر همان در ایران اتفاق افتاده باشد - حالا کلاسیک یا لاخره خیلی چیزها دارد و موضوعات مهمی دارد و باید خوانده شود- اما به‌طور کلی، درباره روند کتاب‌خواندن می‌گویم. اگر آن کتاب در ایران باشد، دیگر نیازی نیست بگویم «خب، بخوانم که فقط بفهمم چه می‌گوید»، بلکه از کلمه‌به‌کلمه‌اش لذت می‌برم.

دقیقاً گفتم کار بزرگ‌ترها، آن‌هایی که حالا متولیان فرهنگ هستند، باید امکاناتی فراهم کنند که بچه‌های ما کتاب ایرانی بیشتر بخوانند. مثلاً هزینه چاپ را تا حدی جبران کنند تا کتاب پر آب‌رنگ‌تر منتشر شود. نه اینکه رها کنند. مثلاً هزینه کی‌رایت را حتماً به رسمیت بشناسند که کسی نتواند با مبلغی ناچیز، یک کتاب ترجمه‌ای را چاپ کند. بی‌تردید ما نیاز به ادبیات بومی خودمان داریم. ادبیات بومی ما و داستان‌های بومی ما شاید از نظر سطح جاذبه و فانتزی، مقداری پایین‌تر از نوشته‌های خارجی باشند. ولی حتی اگر پایین هم باشند، ما باید سیستم انتشار کتاب‌های تألیفی را تقویت کنیم. این‌ها طبیعی است. حالا دیگر متأسفانه این مسائل، زیربنایی هستند و به جای آن‌که آن را اصلاح کنیم، می‌آییم می‌گوییم در فلان کتاب چه آمده، سانسورش بکنیم یا نه.

پس جاذبه کتاب‌های ترجمه‌ای بیشتر به فرم آن‌ها برمی‌گردد تا به محتوایشان؟

بله. محتوایش شاید خیلی به درد ما نخورد. گفتم؛ از آن توان نویسنده‌ی یک طرف، نوع چاپش یک طرف و اینکه خارجی‌ها چرا در ارزان درآید یک طرف دیگر.

نکته‌ای گفتید درباره اینکه کتاب‌های بومی خودمان شاید جاذبه زیادی نداشته باشند، ولی با هم باید حمایت شوند. کمی این موضوع را بازمی‌کنید؟ چرا اولاً جاذبه زیادی ندارند، و بعد آن حمایتی که باید باشند، چه نوعی باشد که خیلی گل‌درشت نباشد و بچه‌ها بازم جایش بشوند و بروند سراغ آن کتاب؟

در آغاز سال‌های ۶۰، ۶۰۰ ترجمه محدود بود در کشور ما. در آن سال‌ها، نویسندگان ما خیلی رشد کردند. چرا رشد کردند؟ چون کتاب‌هایشان چاپ می‌شد، چون کتاب نقد می‌شد، چون صرف می‌کرد که باز هم بنشینند و بنویسند. الان، تعداد معدودی از نویسنده‌ها که از همان سال‌ها مانده‌اند، بیشتر هستند. منظرم این است که باید پول بدهیم؟ نه. باید تسهیل فراهم کنیم برای اینکه نویسنده‌های بومی، کتاب‌هایشان را بنویسند. آن وقت، جامعه خودش انتخاب می‌کند که کدام خوب است، کدام نیست. جامعه باید انتخاب کند. بچه‌های مخاطب

ضرورت گفت‌وگوی فراگیر و باز شناخت منافع ملی

حکمرانی داده‌محور، تحلیل‌محور و سناریونویس حرکت کند. مردم باید اطمینان حاصل کنند که نظام حکمرانی مبتنی بر عقلانیتی سیستماتیک قابل اعتماد است که نه تنها نسبت به استیگماتیسم و تبعیض‌های قومی، بلکه نسبت به آینده نیز چشم‌انداز روشن دارد و توانایی هدایت کشور به سوی سناریوهای مطلوب را داراست.

هم‌زمان، ضروری است که مردم به‌طور شفاف در جریان خطر سیر آینده کشور قرار گیرند. این شفافیت نه تنها زمینه‌ساز آراءش و اعتماد عمومی است، بلکه امکان برنامه‌ریزی فردی، اجتماعی و اقتصادی برای آحاد جامعه را نیز فراهم می‌آورد. شفاف‌سازی خط‌مشی‌ها، اهداف و اولویت‌ها، به شکل‌گیری احساس مشارکت و مسئولیت ملی یاری می‌رساند. در این مسیر، کشور نیازمند مدل‌های مشارکت متنوع و چندسطحی است تا بتواند ظرفیت‌های نهفته جامعه را به‌طور بهینه‌ت‌های واسطه‌فعال‌سازد. این مدل‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که مردم از طریق مراجع نخبگانی متنوع، نهادهای مدنی، انجمن‌های تخصصی، مجامع صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد بتوانند توانمندی‌های منحصر بفرد خود را برای کمک به دولت و ارتقای حکمرانی در عرصه‌های گوناگون می‌ان میدان‌بیاورند. مشارکت فعال، ساختار یافته و فراگیر مردم، نه تنها به افزایش کیفیت تصمیم‌سازی‌های عمومی می‌انجامد، بلکه فضای کشور را عمیقاً تحت‌تأثیر این تعامل اجتماعی و هم‌افزایی ملی قرار می‌دهد. بدون استفاده از این ظرفیت‌های اجتماعی، بسیاری از بحران‌ها یا حل نمی‌شوند یا هزینه حل آن‌ها بسیار بالا است.

آگهی مزایده عمومی

آگهی مزایده یک باب ساختمان به مساحت ۶۰ متر مربع در محوطه سایت اصلی دانشگاه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر در نظر دارد یک باب ساختمان به مساحت ۶۰ متر مربع در محوطه مسایات اصلی دانشگاه را از طریق مزایده عمومی و به شرح مندرج در اسناد مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط جهت استیجار به مدت یک سال واگذار نماید. لذا متقاضیان شرکت در مزایسه می توانند با واریز و ارائه فیش بانکی به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ده میلیون ریال) به‌عنوان سپرده شرکت در مزایده (به‌صورت جداگانه) به حساب سیبا ۱۰۳۸۶۹۲۴۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر اقدام نماید و به مدت ۱۰ روز کاری پس از تاریخ درج آگهی جهت دریافت و

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون در نظر دارد برابر مجوز شماره۰۴/۲۳۶۵۱ مورخ ۰۴/۰۳/۱۴۰۴ اقدام به فروش ضایعات (آهن، آلومینیوم، کاغذ و...) از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید، بدینوسیله به اطلاع اشخاص حقیقی و حقوقی می‌رساند جهت رؤیت اقلام فوق الذکر حداکثر تا ۱۰ روز کاری پس از درج آگهی به امور اداری دانشگاه مراجعه و فرم مندرج به آدرس اینترنتی: www.kazerun.iau.ir تکمیل نموده و همراه با فرم مربوطه در پاکت در بسته به دفتر حراست دانشگاه تحویل نمایند. ضمناً هزینه آگهی روزنامه با برنده مزایده می‌باشد. روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

باید انتخاب کنند. وگرنه، حالا حدود دو‌یست سال ادبیات کودکانه جهان را داریم؛ دنیای غرب جلوتر بوده و تجربه بیشتری دارد. این بیشتر باعث می‌شود که کارهای بیشتری تولید کند. اگر حمایت بشود اینجا کتاب‌های واقعی کودک و نوجوان، اتفاق مثبتی می‌افتد. متأسفانه مسائل ایدئولوژیک، مسائل سیاسی کار را خراب می‌کند و بچه‌ها را زده می‌کند. کار نویسنده کودک و نوجوان هم نیست یک کتاب سیاسی یا ایدئولوژیک متناسب با نیاز یا تبلیغ انجام بدهد. باید فرصت پیدا کند که تجربه کند، از آزمون انجام دهد، مخاطبش را بشناسد، تا مخاطب انتخابش کند یا نکند.

الآن نویسندگان خوب امروز ما کسانی هستند که در سال‌های گذشته هم کار خراب کرده‌اند، هم خوب نوشته‌اند، انتخاب شده‌اند از مردم. هیچ نیازی هم به حمایت دولتی و نمی‌دانم کتابخانه و فلان ندارند. ما باید آن قدر پربال بدهیم‌به نویسنده‌های خودمان، معلم خودمان، تا درست و نادرست، موفق و ناموفق، موفقش را جامعه انتخاب کند.

به نوعی، در آن فرصت ۱۲۰ روز، جامعه نویسنده را می‌شناسد. حالا با این اتفاقات اخیر، این جنگ ۱۲۰ روزه، اگر کسی بخواهد - مثلاً خود شما اگر بخواهید - شعری یا کتابی در باره این اتفاقات بنویسد، درباره کدام یک از ابعاد این اتفاق بیشتر تمرکز می‌کنید، توجه می‌کنید آن را انتخاب می‌کنید؟

من تا حالا توانستم چیزی بنویسم. من از آغاز این هجوم ناجوانمردانه توانستم چیزی بنویسم. سوژه باید نویسنده را انتخاب کند. خیلی‌ها همین حالا مجموعه‌شعرها یا کتاب‌ها و مجموعه‌استان‌های آماده درباره این ۱۲ روز دارند که چاپ‌شود. من متأسفانه این قدر سریع و زرنگ نیستم. باید اینجا من را جذب کند - که جذب کرده - باید سوژه خودش را به من تحمیل کند.

حالا اگر یک نویسنده بیاید و از شما مشورت بگیرد که مثلاً «من می‌خواهم بنویسم، ولی نمی‌دانم که دقیقاً آن کودک یا آن نوجوان چه چیزی را درک می‌کند»، یعنی آن سواد روان‌شناسی کودک و نوجوان را ندارد که بفهمد وقتی کتاب می‌نویسد، آن بچه اذیت نشود از خواندنش. اینجا چه‌طور به او کمک می‌کنید؟

نویسد! باید تمام این ابعاد را خودت رفته باشی، جست‌وجو کرده باشی، به نقطه تولید رسیده باشی. با سفارش من که... اینکه بگویم بچه‌ها مثلاً از جنگ خوششان نمی‌آید، مثلاً از خرابی که می‌نویسی، این باید فلان کار را کند یا نکند، نه! نویسنده باید خودش به آن نقطه برسد که چه چیزی بنویسد. با توصیه نمی‌شود.

از نظر شما موضوعی هست که الان بشود درباره‌اش نوشت؟ یعنی مثلاً در نمایشگاه کتاب سال آینده در کشور ما، با توجه به وسعت این ابعاد باید به چه سوژه‌هایی پرداخته‌شود؟

بر از سوژه‌است. بله، بسیار ابعادش گسترده است: پیوند بین ما و غزه، و وظول‌مان جهان، آفریقا، همه‌جا. این‌ها همه سوژه است. الان من باید خوانده باشم، بفهمم، بیرسم. مثلاً وظول‌مان دنیا فقط ایران و غزه را می‌شناسند، درحالی‌که همین گروه ناجوانمرد در کشورهای اسلامی و آفریقایی هم کلی جنایت کرده‌اند. خب، این نگاه جهانی این جوری را من نمی‌توانم به نویسنده بدهم. باید خودش خوانده باشد، دیده باشد.

ضرورت گفت‌وگوی فراگیر و باز شناخت منافع ملی

افکار عمومی، یکی از مهم‌ترین تهدیدهای نرم علیه انسجام ملی بوده است. بازگرداندن اعتماد مردم به رسانه‌های داخلی، نیازمند تنوع‌بخشی به صداها ملی، پرهیز از تک‌صدایی و ارتقای استانداردهای حرفه‌ای رسانه‌ای است. مدیریت افکار عمومی بدون ابزارهای مشروع رسانه‌ای ممکن نیست.

پایان دادن به منزوی سازی نخبگان و استفاده از همه ظرفیت‌های ملی

شماری از نخبگان و متخصصان فکری، فرهنگی، دانشگاهی و اجرایی طی سال‌های اخیر به دلایل گوناگون از فرایند تصمیم‌سازی کنار نهاده شده‌اند. ادامه این روند، منجر به فرسایش اندیشه‌س و کاهش بهره‌وری رسانه‌ای است. باید با بازگشت این نیروهای ارزشمند به عرصه عمومی، زمینه ارتقای کیفیت حکمرانی و اصلاح تصمیم‌گیری‌ها فراهم‌شود.

آگهی مزایده عمومی

آگهی مزایده یک باب ساختمان به مساحت ۶۰ متر مربع در محوطه سایت اصلی دانشگاه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر در نظر دارد یک باب ساختمان به مساحت ۶۰ متر مربع در محوطه مسایات اصلی دانشگاه را از طریق مزایده عمومی و به شرح مندرج در اسناد مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط جهت استیجار به مدت یک سال واگذار نماید. لذا متقاضیان شرکت در مزایسه می توانند با واریز و ارائه فیش بانکی به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ده میلیون ریال) به‌عنوان سپرده شرکت در مزایده (به‌صورت جداگانه) به حساب سیبا ۱۰۳۸۶۹۲۴۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر اقدام نماید و به مدت ۱۰ روز کاری پس از تاریخ درج آگهی جهت دریافت و

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون در نظر دارد برابر مجوز شماره۰۴/۱۸۳۶۸۸ مورخ ۰۴/۰۳/۱۴۰۴ نسبت به فروش یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید، بدینوسیله به اطلاع اشخاص حقیقی و حقوقی می‌رساند جهت رؤیت اقلام فوق‌الذکر حداکثر تا ۱۰ روز کاری پس از درج آگهی به امور اداری دانشگاه مراجعه و فرم مندرج به آدرس اینترنتی: www.kazerun.iau.ir تکمیل نموده و همراه با فرم مربوطه در پاکت در بسته به دفتر حراست دانشگاه تحویل نمایند. ضمناً هزینه آگهی روزنامه با برنده مزایده می‌باشد. روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

آگهی مزایده عمومی

آگهی مزایده عمومی